

نکاتی چند در مورد تصحیح معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی

دکتر پروین تاج بخش*

چکیده

معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی کتابی است در چهار فن عروض و قافیه و بدیع و لغت فرس، که آن را شمس فخری اصفهانی از ادبای کمتر شناخته شده قرن هشتم، به نام جمال الدین ابواسحاق اینجو تألیف نموده است. بخش لغت آن به همت استاد لغت‌شناس، شادروان دکتر صادق کیا ویرایش شده و با عنوان واژه نامه فارسی بخش چهارم معیار جمالی در سلسله انتشارات دانشگاه تهران، به سال ۱۳۳۷ به طبع رسیده است. تصحیح سه بخش دیگر آن، پایان نامه نویسنده این سطور است که در سال ۱۳۸۵ به راهنمایی استاد فاضل، دکتر جمشید مظاهری در دانشگاه اصفهان انجام پذیرفته است. اخیراً کتاب معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی اثر شمس فخری اصفهانی به تصحیح دکتر یحیی کاردر از سلسله انتشارات کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است. نشر این اثر ارزشمند برای نخستین بار درخور تحسین است. این اثر بلاغی در واقع حلقه میانی آثار پیش از خود چون المعجم و حدائق السحر و آثار پس از خود چون حدائق الحقایق، دقایق الشعر، بدایع الافکار و... است. در این مقاله بر آنیم به بررسی تصحیح معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی بپردازیم.

موضوعات مربوط به این تصحیح را به چند بخش تقسیم کردیم و به ترتیب اهمیت، آنها را فهرست نمودیم. کوشیده‌ایم ذیل هر عنوان به طرح نکات اساسی بپردازیم.

الف) نسخ معیار جمالی

مصحح هر متنی، به‌عنوان ناقلی امین بر پایه توانایی‌های علمی و قریحه انتقادی، به مقابله و تصحیح نسخه‌ها می‌پردازد و ضبط مغلوط نسخه اساس را بیرون می‌کشد و با ضبط معتبر نسخه‌های دیگر، متنی منقح به خواننده تقدیم می‌کند. هر جا به دلایل افتادگی و نقطه گذاری‌های نادرست، به فهم درست مطلب نایل نشد، در بخش تعلیقات یا شرح نسخه‌بدل‌ها به بیان آن می‌پردازد.

عموماً در تصحیح نگارش‌های فارسی، بنا به نسخه‌های موجود آنها از چهار روش زیر استفاده می‌شود:

الف - تصحیح متون بر مبنای نسخه اساس: در این شیوه براساس اصیل‌ترین و صحیح‌ترین نسخه به تصحیح متن پرداخته می‌شود.

ب - تصحیح التقاطی: مصحح با تسلط بر موضوع و اصطلاحات و واژگان موضوعی کتاب، ضبط ارجح را به متن می‌برد؛ بنابراین، آشنایی با زبان و سبک نگارش مؤلف و مسائل فرهنگی عصر وی، لازمه کار است.

ج - شیوه بینابین: در شیوه بینابین، تصحیح متن بر مبنای جمع بین دو روش (بر مبنای نسخه اساس و التقاطی) انجام می‌گیرد.



* معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی
* شمس الدین محمد بن فخرالدین سعید فخری
اصفهانی
* تحقیق و تصحیح دکتر یحیی کاردرگر
* چاپ اول، ۱۳۸۹، تهران: مرکز اسناد شورای اسلامی.

د - تصحیح قیاسی: مقصود از تصحیح قیاسی، اصلاح و تصحیح ضبطهای مغلوط و نادرست یگانه نسخه یک اثر است، که با مویدات واژگانی و زبانی و ساخت معنایی نگارش‌های عصر مؤلف، تأیید و تثبیت شوند. (ر.ک: مایل هروی، ۱۳۸۰: ۴۳۴-۴۳۸) مایل هروی، در تصحیح نگارش‌های فارسی، روش بینابین را شیوه‌ای مطلوب و مقبول می‌داند. «زیرا آثاری که بر پایه این روش تصحیح شده‌اند، به قیاس با آثاری که به شیوه التقاطی و یا بر مبنای نسخه اساس تصحیح شده‌اند پخته‌تر و استوارتر می‌نمایند ... در شیوه بینابین ... عرصه بیش انتقادی پهناورتر است و اختیار علمی از ضبطهای نسخه، بیشتر و وارستگی مصحح از تصرفات عمدی و ذوقی نسخه‌نویسان، افزون‌تر» (همان: ۴۳۸).

مصحح از میان سیزده نسخه‌ای که در مقدمه کتاب خود معرفی کرده، پنج نسخه را به‌عنوان نسخ اصلی برگزیده است:

۱- نسخه شماره ۱۳۶- ج متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

۲- نسخه شماره ۱۴۱ در کتابخانه کاخ گلستان تهران.

۳- نسخه شماره ۱۰۱۸ کتابخانه حراچی اوغلو ترکیه.

۴- نسخه شماره ۶۰۳۹ کتابخانه ملی ملک.

۵- نسخه شماره ۲۸۵۶ کتابخانه مجلس.

ایشان نسخه موجود در مرکز اسناد دانشگاه تهران را نسخه اساس خود قرار داده‌اند. از نسخه موجود در کتابخانه حراچی اوغلو ترکیه به‌عنوان نسخه کمکی استفاده کرده‌اند. مصحح می‌نویسد: «با توجه به اینکه پنج نسخه مذکور، تقریباً تمامی اختلاف نسخ را دربردارند، از این رو نقش نسخه‌های دیگر... کم‌رنگ‌تر شد و در نتیجه سهم آنها در نسخه‌بدل‌ها به حداقل رسیده است...» (فخری، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

بنا به گفته مصحح، متن به شیوه کاملاً التقاطی تصحیح شده است (همان: ۱۲۱). در مورد نسخه‌ها توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. قراردادن نسخه کتابخانه ملی ملک (ش ۶۰۳۹) در شمار پنج نسخه اصلی، جای تأمل دارد؛ زیرا علاوه بر افتادگی‌های آغاز و پایان نسخه، کاتب در نقطه‌گذاری کلمات، اصلاً دقت نداشته و اغلاط املائی در آن فراوان است. از این رو در مقابله متن نمی‌توان به آن اعتماد کرد (همان: ۱۱۱).

۲. دکتر کاردرگر به هنگام معرفی نسخه‌ها به مجموعه «فهرست نسخه‌های خطی» ارجاع نمی‌دهند، در حالی که در فهرست منابع، درج شده است.

۳. یکی از نسخ موجود معیار جمالی در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود. این نسخه به شماره ۳۰۱ و میکروفیلم آن به شماره ۶۸۲۱ در همین کتابخانه موجود است. نسخه شامل سه فن عروض و قافیه و بدیع است و در ۸۸ برگ ۱۷ سطری، بر

روی کاغذ فرنگی و سپاهانی به خط نستعلیق کتابت گردیده است... تاریخ کتابت نسخه در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، سده نهم ذکر شده، اما در فهرست کتابخانه ملی تبریز، اوایل قرن یازدهم نقل شده است. (سیدبونی، ۱۳۵۳، ج ۳: ۱۱۷۳) با وجود در دسترس بودن نسخه، مصحح در تصحیح متن از آن بهره نگرفته‌اند. استفاده از نسخه مذکور، می‌توانست در حل برخی غلط‌های احتمالی، مفید واقع شود.

ب) تصحیح متن

در خصوص تصحیح حاضر از معیار جمالی، نکاتی به ذهن نگارنده رسیده است که در اینجا به نمونه‌هایی از اشکالات تصحیح متن، اشاره می‌کند:

۱. متن اصلی تصحیح معیار جمالی از ص ۱۲۵ آغاز می‌شود. در دومین صفحه از متن اصلی، این بیت آمده است:

یاسه و آیا لغوی عدل او گشت آنچنان

هرچه گوید گرگ در باب گله باشد به راه

(فخری، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

ضبط بیت مذکور در همه نسخه‌ها معشوش است. اما دکتر کاردگر بی توجه به این نکته مهم، در بخش تعلیقات به بیان معنی یاسه و لغوی پرداخته‌اند (همان: ۳۵۱). از سوی دیگر ذکر، معنی این دو واژه، معمای بیت را حل نمی‌کند. ضبط این بیت در همه نسخه‌های موجود که نگارنده در اختیار دارد نادرست است. احتمال می‌دهم ضبط مصرع اول بدین گونه باشد: «یاسه و یرغوی عدل اوی گشته آنچنان ...».

یاسه یا یاسا واژه مغولی به معنی قانون است. یرغو هم کلمه مغولی به معنی بازپرسی و استنطاق است (شریک امین، ۱۳۵۷: ذیل یاسه و یرغو). شاعر در بیان عدل ممدوح خود می‌گوید: قانون عدالت وی، گرگ را با گله آشتی داده است و گرگ که دشمن گله است از ترس عدل او با گله سازگار شده است؛ به عبارت دیگر حتی گرگ، مطیع عدل ممدوح است.

۲. در متن معیار جمالی می‌خوانیم: «مختصری در فن عروض و قوافی ساخته شد موسوم به معیار نصرتی، منسوب به لقب اتابک احمد سعید مغفور نصره الدنیا و الدین احمد...» (فخری، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در نسخه‌هایی که مصحح برای تصحیح در اختیار داشته واژه «احمد» بعد از اتابک نیامده است.

۳. ضبط «به هیچ» در متن به‌طور منفصل و در نسخه‌بدل به‌شکل متصل، مفید چه فایده‌ای است؟ (همان: ۱۳۰). در حالی که در مقدمه می‌نویسند: «تمایل به اتصال کلمات در نسخه زیاد است که غالب آنها جدای از هم نوشته شدند» (همان: ۱۲۴).

۴. یکی از مواردی که دکتر کاردگر باید به آن توجه می‌داشتند و در مقدمه یا تعلیقات یادآوری می‌کردند، «فروع مفاعیلن» است (همان: ۱۶۹). در همه نسخه‌های معیار جمالی، فروع مفاعیلن، دوازده آمده است و زحاف مفعول، به ضم لام (اخر) در میان این اقسام دیده می‌شود. اما نوع مشابه آن یعنی مفعول، به سکون لام (مخفف مقصور)، به چشم نمی‌خورد. با دقت در سایر متفرعات درمی‌یابیم همان اشتباهی که مرحوم مدرس رضوی در شباهت فروع مفاعیلن در المعجم تذکر داده‌اند، درباره فروع فعولن و مفاعیلن در معیار جمالی اتفاق افتاده است (قیس، ۱۳۶۰: ۶۱-۶۴). مصحح در بیان فروع فعولن با استفاده از نسخه کتابخانه ملک، عبارت را تصحیح کرده‌اند (ر.ک. فخری، ۱۳۸۹: ۱۷۱). اما در باب فروع مفاعیلن، از آنجا که باقی نسخ، ضبط نادرست نسخه اساس را تأیید می‌کنند، مصحح به این مهم توجه نداشته‌اند.

۵. آوردن کلماتی مانند «آرزوی» در متن و ذکر شکل دیگر آن، یعنی «آرزو» در نسخه‌بدل، جز حجیم کردن متن چه سودی دارد؟ (همان: ۱۳۰). در حالی که مصحح در شیوه کار متذکر شده‌اند که به دلیل «پرهیز از تکرار نسخه‌بدل‌ها و پرهیز از افزایش حجم» در مواردی که نسخه‌بدل‌ها کمکی به حل مشکلات متن نمی‌کرده‌اند، از ذکر آنها در پانویس خودداری کرده‌اند. (ر.ک. همان: ۱۲۰)

۶ صاحبی ایش الخیر بازگشتی از سفر

جز سپاهانت دگر در جهان این المفر

(همان: ۱۸۱)

در نسخه حراجچی به جای «المفر» المقر آمده است و ذوق ادبی، ضبط نسخه‌بدل را بیشتر می‌پسندد.

۷. در ذیل بحر مقتضب می‌خوانیم: «هر بیتی چهار بار فاعلات مفتعلن آوردند» (همان: ۱۹۷). علاوه بر نسخه اساس مصحح، ضبط نسخه کتابخانه ملی تبریز به شماره (۶۸۲۱) و نسخه‌های آستان قدس رضوی به شماره (۱۲۰۴۳) و به شماره (۱۰۵۳۳) و نسخه کتابخانه مجلس به شماره (۲۸۵۶) و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره (۳۳۴۶/۶) «آوردند» است. امانت‌داری در ضبط دقیق متن و ذکر نسخه‌بدل‌ها، از اصول مهم تصحیح است که گاه مصحح از آن غفلت کرده است. (برای مطالعه ر.ک. مایل هروی، ۱۳۸۰: ۴۳۱)

۸. در متن معیار جمالی، بیت زیر برای نوع اول بحر غریب شاهد آمده است:

تا بود سال و مه تا بود ماه و خور

میر شیخ را دریاد هم زور و زر

(فخری، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

به نظر دکتر کاردگر، علت تفاوت نسخه‌ها «اضافه بودن حرف خ در تقطیع و همچنین نفهمیدن معنی کلمه "ایاد" و خارج بودن آن است...» که سبب شده در برخی نسخه‌ها به جای «درایاد»، باد ضبط شود. سپس ایشان به توضیح کلمه ایاد، جمع الجمع است، از فرهنگ لاروس پرداخته‌اند (همان: ۳۶۹). گفتنی است که علاوه بر نسخه شماره ۱۰۵۳۳ کتابخانه آستان قدس و نسخه ۲۸۱۴ کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ضبط نسخه حراجچی نیز باد است. اما در توضیح ضبط نسخه اساس، باید بگوییم ضبط نسخه مذکور، ارجح و «درایاد» فعل دعایی از درآید به معنی «برسد» است (ر.ک. دهخدا، ذیل آمدن). شمس فخری برای ممدوح خود شیخ ابواسحاق، در همه ایام آرزوی قدرتمندی می‌کند.

۹. مصحح، در باب دوم از بخش قافیه، نسخه اساس را به درستی ضبط نکرده‌اند:

«روی [و] و دگر قید و بعد از آن تأسیس

دخیل و وصل و خروج و مزید با نایر

و نُه حرف، چهار حرف پیش از روی آید و پنج بعد از روی» (فخری، ۱۳۸۹: ۲۰۸)

ضبط درست نسخه اساس بدین قرار است:

«روی [و] ردف و دگر قید و بعد از آن تأسیس

دخیل و وصل و خروج و مزید با نایر

و از این نُه حرف، چهار پیش از روی آید... یادآوری می‌کنم که در نسخه اساس مصحح و نسخه حراجچی، «پنج حرف»

آمده که نادرست است. زیرا چهار حرف قبل از روی و چهار حرف بعد از روی داریم که با خود روی، نُه حرف است. بدین ترتیب، نسخه بدل ارجح و درست می‌نماید.

۱۰. به بیت زیر در بیان حرکت مشبعه از معیار جمالی توجه کنید:

«هر که را بخت مشفق است و حبیب

باشد از جان غلام [شاه] لیب»

(همان: ۲۱۰)

بنا به اظهار دکتر کاردگر، مطالب نقل شده از نسخ دیگر، داخل قالب جای داده شده‌اند (همان: ۱۲۰). واژه شاه که در نسخه اساس مصحح، وجود دارد از چه رو داخل قالب قرار گرفته است؟

۱۱. شمس فخری در بیان حروف وصل، بیت زیر را مثال می‌آورد:

زان پیش که از جور تو دلیندا

گویم به سحر راز خداوندا

(همان: ۲۲۰)

مصحح، ضبط نسخه اساس را حفظ کرده است، اما در نسخه کتابخانه ملی تبریز، که ایشان از آن بهره نگرفته‌اند، «زار» آمده است. با توجه به تأثیر شاعر از شمس قیس و ارتباط بین کلمات جور، زار، سحر و خداوند، نسخه بدل ارجح است.

۱۲. در معیار جمالی می‌خوانیم: «اما حذو آورده‌اند که حرکت ماقبل ارداد اصلی است... چنانکه گویند: حذو النعل بالنعل حذوا...» (همان: ۲۲۹). ضبط نسخه اساس مصحح، نادرست به نظر می‌رسد. در نسخه کتابخانه تبریز و نسخه کتابخانه ملک تهران به شماره ۶۰۳۹ «حذا النعل بالنعل حذوا» آمده که صحیح است.

۱۳. در شرح تضمین می‌خوانیم: «تتبع ایشان لازم آورده‌اند تتبع ایشان لازم است. آن است که معنی بیت اول موقوف باشد...» (همان: ۲۳۷)

عبارات فوق مغشوش است. ضبط صحیح بدین گونه است: «تتبع ایشان لازم است یک نوع آن است که معنی بیت اول...». ۱۴. شمس فخری می‌نویسد: «ششم رباعیات است و آن مشتمل است بر غرایب لطیفه و... گویا در آن وقت که شاعر را اتفاق وضع این وزن افتاد و... وقتی در غایت فرح و سعادت بوده است و زهره را با عطار، نظر تسدیس یا تثلث بوده...» (همان: ۲۴۴).

ضبط مصحح «با» است. ضبط برخی نسخ، از جمله نسخه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره (۱۳۶-ج) و نسخه حراجچی «یا» است. ضبط «یا» درست است، زیرا تثلث واقع شدن دو ستاره به صورتی است که چهار برج، میان آنها فاصله باشد و آن را سعد می‌شمارند. اما در تسدیس، تفاوت به سه برج یا یازده برج می‌رسد که آن را اهل نجوم «نیم دوستی» می‌دانند. پس تسدیس و تثلث دو حالت متفاوت است و در یک آن جمع نمی‌گردد. در کتاب فرهنگ اصطلاحات نجومی آمده است: «آفتاب هم سعد است و هم نحس، بسته به این است با کدام یک از دو سعد و یا دو نحس، قران کند و عطارد نیز چنین است با سعد سعد است و با نحوس نحس» (ر.ک. مصفی، ۱۳۶۶: ذیل سعد و نحس).

۱۵. شمس فخری در ذیل اعنات، قصیده‌ای در مدح ممدوح دارد که یک بیت آن چنین است:

«امیدم آن به احسانت که باشد
مرا در تحت آن بسیار ظایل»
(فخری، ۱۳۸۹: ۲۷۳)

در نسخه آستان قدس به شماره ۱۰۵۳۳، به جای «ظایل»، طایل آمده است. طایل در زبان عربی به معنی توانگری و سود و منفعت فراوان است (ر.ک. جرّ، ۱۳۶۳: ذیل طایل). شمس فخری امید دارد از بخشش ممدوح به توانگری برسد و سود فراوان عاید او گردد.

۱۶. ضبط واژه شراب به جای «شرب»، وزن این مصرع را مختل کرده است: «آدمی را ز پی شراب مدام آوردند» (فخری، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

۱۷. مؤلف در بیان نوع چهارم از بحر مجتث می نویسد: «عروض و ضرب محذوف مقطوع آید» (همان: ۱۹۸). سپس، بیت زیر را شاهد می آورد:

خدايگان ملوک جهان به استحقاق

جمال دنیوی و دین شاه شیخ ابو اسحاق
باید توجه داشت که ضبط نسخه‌ها اشتباه است و بیان دقیق نوع چهارم به این صورت است: نوع چهارم مخبون، اصلم مسبغ آید. زیرا مفاعیلن «مخبون» از مستفعلن است و فعّلان «اصلم مسبغ» از فاعلاتن است. به جا بود مصحح این نکته را در پاورقی یا بخش تعلیقات یادآور می شدند. در فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی می خوانیم: «عالمان عروض گفته اند که: شاعر در رکن چهارم به جای «فعّلن = اصلم» مختار است «فعّلان = اصلم مسبغ» یا «فعلّن = مخبون محذوف» و «فعلّان = مخبون مقصور» بیاورد. (مدرسی، ۱۳۸۴: ۲۰۵).

ج) ارجاعات و نقل قول‌ها

همان طور که می دانیم، نقل قول‌ها باید دقیق و بدون دخل و تصرف در جملات، صورت پذیرد، به گونه‌ای که حتی یک واژه یا علامت نگارشی را نباید تغییر داد. رعایت امانت علمی، علاوه بر ارتقای سندیت تحقیق، موجب اعتماد خواننده به متن می گردد. مصحح در روایت از متون مختلف، دقت لازم را ندارند. حتی در ارجاعات متن معیار جمالی نیز از این مهم غفلت ورزیده اند، به حدی که شاید صفحه‌ای را نتوان یافت که از غلط‌های متعدد خالی باشد. غلط‌هایی که گاه فهم عبارات را دشوار می سازد. این تسامح‌ها و سهل انگاری‌ها باعث می شود خواننده در جست‌وجوی شماره صفحات کتاب، سردرگم و خسته گردد؛ در حالی که اندکی وسواس علمی و باریک بینی، این خطاها را به حداقل می رساند. پاره‌ای از این آشفستگی‌ها مربوط به درج شماره صفحه و پاره‌ای مربوط به نام مأخذ یا عبارات مندرج از کتب دیگر است. جدول زیر نمونه‌ای از نقل نادرست برخی ابیات و عبارات را در تصحیح معیار جمالی نشان می دهد

ردیف	شماره صفحه و سطر	ضبط نادرست	ضبط درست در متن
۱	فخری، مقدمه ص ۲۷ س ۵	هر چند مختصری مفید است	هر چند آن مختصری مفید است (فخری، ۱۳۸۹: ۱۲۹)
۲	فخری، مقدمه ص ۳۱ س ۶	همچو خورشید شدم ...	همچو خورشید شوم... (همان: ۳۱۵)
۳	فخری، مقدمه ص ۳۱ س ۱۴	شمس فخری ارشد ...	شمس فخری را شد ... (همان: ۲۵۸)
۴	فخری، مقدمه ص ۳۲ س ۱۵	شده کار من قوی ...	شود کار من قوی ... (همان: ۳۱۱)
۵	فخری، مقدمه ص ۳۳ س ۱۵	وسیلت ساختم آن را به نصرت	وسیلت ساختم آن را به حضرت (همان: ۲۷۳)
۶	فخری، مقدمه ص ۴۶ س ۵	از مایحتاج این علم به هیچ دقیقه‌ای ...	از مایحتاج این علوم به هیچ دقیقه‌ای ... (همان: ۱۳۲)
۷	فخری، مقدمه ص ۶۲ س ۱۹	و ترکیب کلام بر چهار جزء مقصور است	و ترکیب کلام بر چهار جزو مقصور است (همان: ۱۵۱)
۸	فخری، مقدمه ص ۶۲ س ۱۹	یعنی اسباب دوگانه و اوتاد دوگانه	یعنی اسباب دوگانه و اوتادو... (همان: ۱۵۱)
۹	فخری، مقدمه ص ۷۳ س ۲۱	آن را خود از عیب نشمارند	آن را خود از عیوب نشمارند (همان: ۲۳۴)
۱۰	فخری، مقدمه ص ۸۰ پاورقی ۱	اساس الاقتباس	تعلیق بر اساس الاقتباس
۱۱	فخری، مقدمه ص ۹۵ س ۱۳	در مدح وزیر شهید ... گفته شد	در مدح وزیر شهید ... گفته شده (همان: ۳۲۵)
۱۲	فخری، مقدمه ص ۹۸ س ۱۴	پیش تو گفته او زبیر به کرمان باشد	... زبیر و کرمان باشد (همان: ۳۱۵)
۱۳	فخری، مقدمه ص ۱۰۱ س ۴	گل هفته و عید دو روز است	گل هفته‌ای و ... (همان: ۳۱۷)
۱۴	فخری، مقدمه ص ۱۸۸ س ۱۰	الرجز القبه الصیغره	...الصیغره (همان: ۳۶۷)
۱۵	فخری، مقدمه ص ۲۴۲ س ۵	نون نسب را قافیه ساخته است	نون نسبت را... (همان: ۲۴۲)
۱۶	فخری، مقدمه ص ۲۸۱ س ۳	... پانزده فرزند ایشان دارم	... پانزده فرزند از ایشان دارم (همان: ۲۸۱)

جدول زیر نمونه‌هایی از تسامح و کم‌حوصلگی علمی مصحح را در نقل از متون مختلف نشان می‌دهد:

ردیف	نقل یا ارجاع نادرست منابع	نقل و ارجاع درست	شماره صفحه و سطر معیار جمالی
۱	از این خواجه عمادالدین ... ممدوح حافظ که بدبختانه...	... ممدوح خواجه حافظ ...	ص ۴۰ س ۹
۲	(تاریخ عصر حافظ، ج ۱، ص ۱۰۸)	(تاریخ عصر حافظ ... ج ۱، صص ۱۰۷-۱۰۸)	ص ۴۰ پاورقی ۱
۳	عروض ص ۵۷	عروض فارسی از دکتر ماهیار منظور است.	ص ۶۶ پاورقی ۲
۴	جز در نظمی که بر سبیل هزل...	الا در نظمی که بر سبیل هزل... (قیس، ۱۳۷۳: ۲۶۰).	ص ۷۹ س ۹
۵	شاعر جیزی به جیزی را مانند کند	... مانده کند (وطواط، ۱۳۶۲: ۵۰)	ص ۸۹ س ۱
۶	چنان باشد کی دو لفظ آورده باشند که در خط مشابه یکدیگر باشند	... آورده باشد که در خط متشابه ... (همان: ۱۰)	ص ۸۹ س ۹ و ۱۰
۷	جنگ خطی، شماره ...	جنگ اشعار، خطی، شماره...	ص ۲۶ پاورقی ۱
۸	... متقارب و متجانس باشند	... متقارب و متجانس باشد	ص ۹۲ س ۱۹
۹	که در ۶۷ هفت سال قبل از ولادت...	که در ۶۷ هفت سال قبل از ولادت ...	ص ۹۷ س ۱۷
۱۰	حبیب السیر، ج ۳...	تاریخ حبیب السیر، ج ۳ ...	ص ۲۸ پاورقی ۱
۱۱	تاریخ عصر حافظ، ص ۱۱۱.	تاریخ عصر حافظ، ج ۱، ص ۱۱۱	ص ۴۱ پاورقی ۱
۱۲	رک: همان، صص ۸۱-۱۰۵.	همان: ص ۱۰۶.	ص ۵۷ پاورقی ۱
۱۳	وزن شعر فارسی، ص ۷.	وزن شعر فارسی، صص ۱۰۶-۱۰۷	ص ۶۸ پاورقی ۱
۱۴	تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، بخش ۳، ص ۳۰۸	تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، ص ۳۰۸	ص ۱۰۷ پاورقی ۲

علاوه بر موارد مذکور، اشاره به نکات زیر ضروری است:

۱. مأخذ مصحح در اولین استناد مشخص نیست (ر.ک. فخری، ۱۳۸۹: ۱۶ س ۱۰).
۲. ارجاعات مصحح در سراسر متن، امروزی نیست و همین، سبب آشفتگی‌های فراوان در متن شده است. به‌عنوان نمونه مصحح در مقدمه می‌نویسد: «در فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی "ابوالثناء شمس فخری ... آمده است" و سپس خواننده را در پاورقی به فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی بزرگان اصفهان، ج ۱: ص ۲۹۴ ارجاع می‌دهد. در این استناد، شماره صفحات پاورقی ۹ و ۱۰ هر دو یکی است! (ر.ک. همان: ۱۶).
- گاه در یک صفحه و حتی یک سطر، هنگام ارجاع، به جای «همان» نام مأخذ تکرار می‌شود، مانند پاورقی صفحه ۷۷ ارجاع مقاله دکتر فشارکی.
۳. نام برخی از منابع که در متن به آن استناد شده، در فهرست منابع نیامده است: مثلاً در پاورقی صفحه ۶۶، مصحح، خواننده را به دیوان ناصر خسرو ص ۵۲۶ ارجاع می‌دهد، اما در فهرست منابع، نامی از دیوان ناصر خسرو نمی‌بینیم. کتاب محاسن الکلام مرغینانی نیز که در صفحات مختلف مقدمه و تعلیقات به آن استناد می‌شود، در فهرست مأخذ نیامده است و همین‌گونه است فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی بزرگان اصفهان در صفحه ۱۶.
۴. مصحح به جای منابع اصلی به منابع فرعی و در دسترس ارجاع می‌دهند؛ مانند «ص ۱۰۵ پاورقی ۱» که به جای دیوان خاقانی، به کتاب رخسار صبح از دکتر کزازی استناد می‌کنند. به نمونه دیگر توجه کنید: شمس فخری، بیت زیر را از انوری برای شایگان مثال آورده است:

ایا پا از آن خطه برتر نهاده

که باشد زبردست‌تر از زمانه

(همان: ۲۲۷)

مصحح می‌نویسد: «ابیات در دیوان انوری وجود ندارد» (همان: ۳۷۳). سپس به نقل بیت مذکور از کتاب المعجم پرداخته‌اند. بهتر بود به جای نقل بیت از کتاب المعجم، به دیوان انوری به تصحیح سعید نفیسی مراجعه می‌کردند. (ر.ک. انوری، ۱۳۳۷: ۴۵۵)

شمس فخری در متن معیار جمالی، ذیل تجنیس مکرر، سه بیت عربی آورده و آن را از صاحب بن عبّاد دانسته است: (ر.ک. فخری، ۱۳۸۹: ۲۵۵) که بیت اول این است:

إبا العباس لا تحسب بآنی

لشیء من حلی الاشعار عار...

این ابیات در کتاب حدائق السحر (وطواط، ۱۳۶۲: ۹) و محاسن الکلام (مرغینانی، ۱۳۶۴: ۱۰) به ابوالفتح بستی نسبت داده شده

که مصحح در تعلیقات به نقل آنها پرداخته است (فخری، ۱۳۸۹: ۳۸۲). این بیت در کتاب ابوالفتح بستنی، حیاته و شعره (ص ۲۶۲) آمده است. ضبط بیت دوم در کتاب‌های حدائق السحر و محاسن الکلام، یکسان است. ضبط معیار جمالی با کتب مذکور اندکی اختلاف دارد. بدین ترتیب که شمس فخری در بیت دوم، به جای معین زلال، زلال معین می‌آورد (همان: ۲۵۵). بیت معروف «رقّ الزجاج و رقت الخمر / فتشابهها فتشاکل الامر» از صاحب بن عبّاد است. مصحح به جای استناد به منبع اصلی، از کتب دیگری که بیت در آنجا ضبط شده، یاد می‌کند. (همان: ۳۸۸) (برای مشاهده بیت مذکور ر.ک. صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۲: ۱۷۶)

د) بخش تعلیقات

تعلیقات و حواشی و فهرست‌های هر اثر را در آغاز و انجام آن، می‌توان پژوهش‌نامه مصحح دانست، از این رو اطمینان خواننده آن‌گاه حاصل می‌شود که پژوهشگر، با دقت نظر و ژرف‌نگری به کار تصحیح و تحقیق بپردازد. در خصوص این بخش از تصحیح معیار جمالی، تذکر نکات زیر ضروری است:

۱. مصحح در بخش تعلیقات، گاه توضیح شمس قیس را در باب فاعلاتن نقل می‌کند (فخری، ۱۳۸۹: ۳۶۳) و گاه نیز بدون نقل مطلب، خواننده را به صفحات المعجم ارجاع می‌دهد. معلوم نیست این ارجاعات از چه رو انجام می‌گیرد؟ اگر برای بیان تأثیر عروض المعجم بر بخش عروض معیار جمالی است (ر.ک. تاج‌بخش، ۱۳۸۶)، در مقدمه اشاره شده و در این بخش، تکراری می‌نماید. نمونه دیگری از این دست، ارجاع به کتاب قسطاس و اساس البلاغه است که در ذیل توضیح صفحه ۱۸۸ انجام گرفته است (ر.ک. همان: ۳۶۷). گاهی نیز ارجاعات از این گونه است: «جهت توضیح واژه رمل و معانی آن، ر.ک: عروض سیفی ص ۴۴» و یا «برای معانی رجز رجوع کنید عروض سیفی ص ۴۲...» (همان). اگر برای رمل یا رجز یا هر اصطلاح دیگری، در کتاب‌های مذکور، معنی یا وجهی گفته شده که در المعجم یا معیار جمالی نیست، بهتر بود که مصحح به همان اشاره می‌کردند. این گونه ارجاعات، در بخش قافیه نیز دیده می‌شود، مثلاً: «برای تعریف قافیه ر.ک. ص ۱ کتاب القوافی... همچنین صص ۸۹-۹۰ کتاب المعیار فی اوزان الاشعار و...» (همان: ۳۶۹-۳۷۰). بدین ترتیب، برای فهم معنای قافیه، خواننده را به مشاهده تعریف آن در چندین کتاب فرا می‌خوانند.

۲. در ادامه تعلیقات مربوط به صفحه ۲۰۶، برای مشاهده واژه متکاوس، خواننده را به مطالعه صفحه ۱۵۳ متن معیار جمالی ارجاع می‌دهند. نگارنده در صفحه مذکور، نامی از متکاوس نیافت. مطابق فهرست اصطلاحات ادبی که در آخر کتاب ارائه داده است، این واژه در صفحه ۲۰۶ و ۲۰۷ متن معیار جمالی به کار رفته است. دقیق این بود که برای مطالعه شرح اسباب و اوتاد و فاصله کبری، که مرتبط با متکاوس است، خواننده را به مطالعه صفحه ۱۵۲ ارجاع می‌دادند.

۳. شمس فخری در ذیل صنعت اشتقاقی، مثالی از ابوفراس حمدانی آورده است که به جا بود مصحح، با ارجاع دقیق آن از دیوان شاعر، بر غنای بخش تعلیقات می‌افزودند.

و ما ان شبت من کبر و لکن
لقیمت من العجایب ما اشابا
(فخری، ۱۳۸۹: ۲۶۷)

مصرع دوم بیت مذکور، در دیوان ابوفراس با اندکی تفاوت به این صورت آمده است: «... رأیت من الحبه ما اشابا» (ر.ک. حمدانی، ۱۴۱۷: ۳۳).

۴. یقولون فی البستان للین لده
و فی الخمر و الماء الذی غیر أسن
(همان: ۲۷۲)

بیت مذکور، علاوه بر البدیع و محاسن الکلام و حدائق السحر، در خزانه الادب ابن الحجة به ابوالعلاء معری نسبت داده شده است. (ر.ک. ابن حجة ۱۹۸۷، جزء دوم: ۴۳۵). اما نگارنده در لزومیات ابوالعلاء آن را نیافت.

۵. «ان نال اغنی الخلق من اعطائه». مصحح در ترجمه مصرع مذکور نوشته‌اند: «اگر بخشد از بخشش خود مردم را بی‌نیاز می‌کند.» (فخری، ۱۳۸۹: ۳۸۰). به نظر نگارنده، حرف جرّ «من» در اینجا مترادف «با» است (ر.ک. جرّ، ۱۳۶۳: ذیل من). پس ترجمه مصرع، باید چنین باشد: «اگر بخشد با بخشش خود مردم را بی‌نیاز می‌کند.» از سوی دیگر، کاربرد «از» جمله را کژتاب می‌سازد. در زبان معیار امروز، در این گونه موارد کاربرد «با» رایج است.

۶. مصحح در شرح بیت زیر، به تعلیقات کتاب محاسن الکلام استناد می‌کنند و خواننده را به صفحه ۵۰ ارجاع می‌دهند. (فخری، ۱۳۸۹: ۳۸۱). گفتنی است که بیت مذکور، در صفحه ۴ کتاب محاسن الکلام و نام شاعر یا سراینده در ص ۴۹-۵۰ آمده است. علاوه بر آن، در فهرست منابع، نامی از محاسن الکلام برده نشده است:

لم نزل نحن فی سداد ثغور
و اصطلام الابطال من وسط لام

۷. مصحح در مقدمه خود، اختصارگویی را ستوده اما گاه خود در دام اطناب افتاده است. به عنوان نمونه، در توضیح اختلاف یک کلمه در قصیده قوامی، بیت را که در کتاب بدایع الافکار و نیز در کتاب قصیده‌های مصنوع در علم بدیع آمده است، می‌آورند و می‌نویسند: «بیت قوامی در کزازی و وفایی مختصر تفاوتی دارد» (همان: ۳۸۳-۳۸۴). در حالی که کافی بود در توضیح مورد مذکور بنویسند: در کتاب ... به جای ملک «جود» آمده است.

۸. مصحح در سراسر ارجاعات خود به کتاب بدایع الافکار، به جای نام مؤلف، با نام مصحح اثر، ارجاع می‌دهند. به این ترتیب، نام مؤلف کتاب در پرده نام مصحح پوشیده می‌ماند. اگرچه با تأکید بر نام مصحح نیز می‌توان به ارجاع پرداخت، اما ارجاع با نام مؤلف، ارجح است. نمونه‌ای از ارجاع با نام مصحح در معیار جمالی: «صبط این بیت قوامی در کزازی و وفایی بدین گونه است...» (همان: ۳۸۴).

۹. «اترک الصوم و الصلوة جميعاً
إن فی الصوم و الصلوة فسادا»

(همان: ۲۷۷)

در معیار جمالی، بیت فوق برای ایهام، مثال آورده شده است. مصحح می‌نویسد: «ظاهراً ایهام در کلمه "جميعاً" وجود دارد که به دو معنی است: ۱- به‌طور کامل ۲- در حالی که جمع هستی» (همان: ۳۸۶). به نظر می‌رسد ایهام در کلمه صوم و صلوة است. شایان توجه است که در قرآن کریم، صلوات به معنی کنش‌ها به کار رفته است: «و لو لا دفع الله الناس ... لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد...» (حج: ۴۰). در فرهنگ‌ها، کلمه صوم به معنی پلیدی حیوانات و کلمه صلاة به معنی عبادتگاه یهودیان آمده است (ر.ک. ابن منظور، ۱۴۱۶، ذیل کلمات صوم و صلاة).

همچنین کلمه صوم در کتاب دره نادره تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی، در معنی کلیسای ترسایان به کار رفته است: «و عالمان جاهل ... در ترک صوم و صلاة و مصلی مصلی راهبان شده، به صوم و صلاة روی آوردند» (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۴۸).

۱۰. مصحح در توضیح بیت زیر:

از کمیت سیس گلگون کرده رخ بر قله‌ها

بر سمند عشرت و شادی کشیده تنگ تنگ

(فخری، ۱۳۸۹: ۲۵۶)

به شرح معانی واژه‌ها و ویژگی‌های بلاغی می‌پردازد و آن را از مصنوع‌ترین اشعاری می‌داند که زمینه فضل‌فروشی‌های لغوی شاعر را فراهم آورده است (همان: ۱۰۶). اما با توضیحات ایشان، معنی بیت معلوم نمی‌شود.

شمس فخری در جای دیگری از کتاب خود، «سیس و کمیت و قله» را به صورت مراعات نظیر با هم به کار برده است:

وانکه بر قله به یاد تو خورد سیس کمیت

رخش از دولت و اقبال تو گلگون بادا

(همان: ۳۱۵)

در فرهنگ‌ها، قله به معنی خم بزرگ یا سبوی سفالینه آمده و به معنی کوزه خرد نیز به کار رفته است. خاقانی گوید:

قبله خاقانی است قله می تا شود

سوخته چون سیم عقل کشته چو سیماب غم

(سجادی، ۱۳۷۴: ذیل قله).

کمیت، علاوه بر اسب چالاک، به معنی در هم آمیخته از دو رنگ سیاه و سرخ نیز به کار می‌رود (همان: ذیل کمیت). همچنین این واژه به معنی شراب انگوری هم به کار رفته است. در دره نادره می‌خوانیم: «...از رکوب کمیت و رکاب کمیت و مداومت لعل مذاپ...داد کامیابی داده» (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۵۹). حال بر می‌گردیم به مفهوم بیت. دو بیت قبل آن چنین است:

گاه آن آمد که از لاله کند رخ رنگ رنگ

پرنیان پوشد ازو فرسنگ در فرسنگ، سنگ

عاشق و معشوق را بینی خرامان در چمن

این یکی بر دست جام و آن دگر بر چنگ، چنگ

(فخری، ۱۳۸۹: ۲۵۶)

با توجه به اینکه شاعر، با آمدن بهار و رویش گل‌ها، عاشق و معشوق را، جام بر دست و چنگ بر چنگ توصیف می‌کند. بیت مورد نظر، وصف شادی و شادخواری است. ممدوح از کمیت سیس (استعاره از شراب سرخ‌رنگ) که در سبوهاست، خورده و رخسارش بر افروخته شده است. قرینه‌هایی چون «خوردن و گلگون کردن رخ» در دو بیت مذکور، ما را به معنای مجازی «کمیت سیس» یا «سیس کمیت»، راهنمایی می‌کند و در عین حال، هنرنامه‌ی شاعر و ایهام تناسب موجود در واژه‌های دو بیت،

شایان توجه است. در ابیاتی که شمس فخری ذیل تضمین مزدوج آورده و به وصف شراب پرداخته است نیز «کمیت سپس» در معنی مجازی به کار رفته است (رک: همان: ۲۷۵-۲۷۶).

۱۱. یکی از منابعی که دکتر کاردگر باید حتماً به آن مراجعه می‌کردند، کتاب بحث درباره کتاب حدائق السحر فی دقائق الشعر، تألیف دکتر قاسم توپسیرکانی است. این اثر به سال ۱۳۳۸ در چاپخانه سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی به چاپ رسیده است. مطالعه این اثر برای مقایسه تأثیرپذیری شمس قیس از رشید و طواط و شناخت مآخذ حدائق السحر، لازم و ضروری است.

۱۲. شمس فخری در باب چهارم فن قافیه، از تخلیع و عدول از جاده مستقیم نام برده، اما به شرح آن نپرداخته است. «تخلیع آن است که بر بحور مستثقل و اوزان ناخوش شعر گویند و از اختلاف اجزا و تفاوت نظم ارکان احتراز نکنند» (قیس، ۱۳۷۳: ۲۶۳). شمس قیس، عدول از جاده صواب را در شعر، چند نوع می‌داند که از جمله آنها می‌توان به جای داشتن خطای لفظی و معنوی برای صحت وزن یا درستی قافیه، استعمال ترکیبات ناخوش و استعارات بارد و غلو در مدح، به حدی که شاعر، ترک ادب شعری کند و... (همان: ۲۶۴-۲۸۳) به نظر نگارنده، اشاره به دو مورد مذکور، در بخش تعلیقات، برای آگاهی بیشتر لازم می‌نماید.

۱۳. گاه مصحح به بیان معنی لغاتی می‌پردازد که نیازی به آوردن آنها نیست. مانند: «قلب: تقلبی، دل... / درهم: واحد پول / درهم: پریشانی» (فخری، ۱۳۸۹: ۳۸۱) و «بیمین و یسار و یسر و یمن» (همان: ۳۹۴). گاه از توضیح واژه یا ترکیبی که ممکن است برای مخاطب سؤال باشد، غفلت می‌ورزد. مانند تخته‌بند کردن و در خام گرفتن در بیت زیر:

چون جهان را پاک کرد از دشمنان پادشاه
عدل خسرو بهر دفع فتنه آخر زمان
تخته‌بندش کرد و سر تا پای در خامش گرفت
تا ز خد خویش نهد پای بیرون یک زمان
(همان: ۳۰۴)

ابیات مذکور، توصیف درغلاف کردن شمشیر است که در ذیل لغز آمده است. «تخته‌بند کردن: مجازاً به معنی گرفتن، محبوس» (انوری، ۱۳۸۱: ذیل تخته بند). «در خام گرفتن: پوست دباغی نشده گاو را به تن مخالفان و گناهکاران کشیدن تا بعد از خشک شدن، آنان را شکنجه دهند» (همان: ذیل خام).

در شاهنامه فردوسی، به دستور قیصر روم، شاپور ذوالاکتاف را به جرم اینکه در لباس بازرگانان به دربار قیصر رفته تا از کشورداری او آگاه گردد، به پوست خر می‌کشند و در جایی تاریک زندانی می‌کنند. (رک. فردوسی، ۱۳۷۹: ج ۷، ۲۲۸-۲۲۹)

۱۴. «گفتی که با مخالف تو بعد از این مرا نبود به هیچ حالی بی‌حکم تو حدیث» (فخری، ۱۳۸۹: ۲۳۴)

در المعجم به کوشش مدرّس رضوی (ص ۲۸۴) و سیروس شمیسا (ص ۲۵۶) به جای «بعد از این» «زین سپس و به جای «بی‌حکم»، بی امر ضبط شده است. صرف نظر از این اختلاف، مدرّس رضوی «مخالف» و سیروس شمیسا «مخالفت» آورده است. مصحح در توضیح بیت، ضبط نادرست المعجم به تصحیح شمیسا را نقل کرده است. (رک. فخری، ۱۳۸۹: ۳۷۵).

۱۵. شیوه استشهاد شمس فخری در بدایع الصنایع بدین گونه است که ابتدا یک بیت عربی از شاعران تازی و سپس یک بیت فارسی از قصیده معروف بدایع الاسحار قوامی مطرزی نقل می‌کند و سرانجام، از سروده‌های خود مثال می‌آورد؛ یکی از جاهایی که شمس فخری رویه استشهاد خود را برهم می‌زند و به جای قوامی مطرزی، از رشید و طواط مثال می‌آورد؛ ذیل اشتقاق است. مثالی که قوامی در قصیده خود برای اشتقاق آورده با تعریف آن منطبق نیست:

روز کوشش که زیر ران آری
آن قضا پیکر قدر پیکار
(بدایع نگار، ۱۳۳۶: ۵۰)

در بیت مذکور، بین دو واژه پیکر و پیکار، شبه اشتقاق دیده می‌شود. شمس فخری این خطا را دریافته و بیت رشید را به جای آن برگزیده است. (فخری، ۱۳۸۹: ۲۶۷) دقت نظر مؤلف در این زمینه در خور توجه است.

نتیجه گیری

معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق، اثر شمس فخری اصفهانی از ادبای قرن هشتم هجری است. این اثر، مهم‌ترین متن ارزشمندی است که بعد از المعجم در زمینه علوم بلاغی نوشته شده و به دست ما رسیده است. مؤلف در فن عروض و قافیه

از المعجم و در بخش بدیع از حقایق السحر تأثیر پذیرفته است. معیار جمالی در سال ۱۳۸۹ به همت دکتر یحیی کاردگر در سلسله انتشارات کتابخانه مجلس به چاپ رسیده است.

مصحح در تصحیح متن، به جز نسخه کتابخانه ملی تبریز، از باقی نسخ موجود در ایران بهره برده است. استفاده از نسخ مذکور در حل برخی ابیات و عبارات می توانست مفید فایده باشد. متأسفانه مصحح نه تنها در روایت از متون مختلف، بلکه در نقل از معیار جمالی نیز دقت کافی مبذول نداشته است. کم حوصلگی مصحح، سبب پریشانی های مختلف در ارجاعات و مستندات شده است. مصحح، مطالعه پیشینه تحقیق را جدی نگرفته، اغلب به تکرار مکررات پرداخته است. همچنین در نقل مطلب از نوشتار دیگران، امانت داری علمی را رعایت نکرده است. یاری گرفتن از ویراستار علمی، بسیاری از اشکالات مذکور را به حداقل می رساند.

پی نوشت:

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز رشت Parvintajbakhsh@gmail.com

۱. در فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی، که مورد مراجعه مصحح بوده، فروع مفاعیلن سیزده ذکر شده است. (مدرسی، ۱۳۸۴: ۳۲۴)

منابع

- قرآن کریم

- ابن حجه الحموی، الشیخ تقی الدین ابی بکر علی المعروف بابن الحجة الحموی، ۱۹۸۷م، خزانه الادب و غایة الارب شرح: عصام شعیبو. المجلد الاول. الطبعة الاول. بیروت: مكتبة الهلال.

- ابن منظور، ۱۴۱۶، لسان العرب. بتصحیح: امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبیدی. ۱۵جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- استرآبادی، میرزا مهدی خان، ۱۳۶۶، درة نادره. به تصحیح سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- انوری، اوحدالدین محمد، ۱۳۳۷، دیوان اشعار. به تصحیح سعید نفیسی. تهران: انتشارات پیروز.

- انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.

- بدایع نگار، میرزا فضل الله، ۱۳۳۶، بدایع الاشعار فی شرح قصیده صنایع الاسحار. مشهد: چاپ سنگی.

- تاجبخش، پروین، ۱۳۸۶، «بررسی تأثیر عروض العجم فی معاییر الاشعار العجم بر بخش عروض معیار جمالی». مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز. دوره بیست و ششم، شماره دوم، شماره پیاپی ۵۱ ص ۸۱-۱۰۳.

- جرّ، خلیل، ۱۳۶۳، فرهنگ لاروس: عربی و فارسی. ترجمه سیدحمید طیبیان تهران: انتشارات امیرکبیر.

- حمدانی، ابی فراس، ۱۴۱۷، دیوان اشعار. شارح: دکتر خلیل الدویهی. الطبعة الثالثة. بیروت: دارالکتب العربی.

- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.

- سجادی، ضیاءالدین، ۱۳۷۴، فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی. تهران: زوآر.

- سیدیونسی، میروود، ۱۲۵۳، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی تبریز، ج ۳، تبریز: کتابخانه ملی تبریز.

- شریک امین، شمس، ۱۳۵۷، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.

- صاحب بن عبّاد، ابی القاسم اسماعیل، ۱۴۱۲، دیوان اشعار. به تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین. چاپ سوم. قم: مؤسسه قائم آل محمد.

- فخری اصفهانی، شمس الدین محمد بن فخرالدین، ۱۳۸۹، معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی، به تصحیح دکتر یحیی کاردگر، تهران: مرکز اسناد شورای اسلامی.

- فردوسی، ابوالقاسم حسن، ۱۳۷۹، شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان. ج ۷. چاپ پنجم. تهران: قطره.

- قیس، شمس الدین محمد، ۱۳۶۰، المعجم فی معاییر الاشعار العجم. به تصحیح محمد قزوینی و مقابله مجدّد محمد تقی مدرّس رضوی. چاپ سوم. تهران: زوآر.

- _____، ۱۳۷۳، المعجم فی معاییر الاشعار العجم. به تصحیح دکتر سیروس شمیسا. تهران: انتشارات فردوس.

- ماهیار، عباس، ۱۳۷۹، عروض فارسی. چاپ پنجم. تهران: قطره.

- مایل هروی، نجیب، ۱۳۸۰، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مدرّسی، حسین، ۱۳۸۴، فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی. آستان قدس رضوی و سمت.

- مرسی الخولی، محمد، ۱۹۸۰م، ابوالفتح بستی حیات و شعره. چاپ اول. اندلس.

- مرغینانی، نصر بن حسن، ۱۳۶۴، محاسن الکلام. به کوشش محمد فشارکی. چاپ اول. فرهنگ سرای اصفهان.

- مصفی، ابوالفضل، ۱۳۶۶، فرهنگ اصطلاحات نجومی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات نجومی.

- وطواط، رشیدالدین محمد، ۱۳۶۲، حقایق السحر فی دقایق الشعر. تصحیح عباس اقبال. تهران: طهوری و سنائی.